

اوضاع سیاسی، جنبش کارگری و وظایف ما

سی سال است که جمهوری اسلامی با استثمار و ستم سرمایه و خفقان دینی در جامعه حکومت میکند. رژیم سرمایه اسلامی از مبارزات شکوهمند کارگران و سایر اقشار اجتماعی علیه رژیم ددمنش سلطنتی استفاده نموده و در فقدان تشکل سیاسی - اجتماعی کارگری مبتنی بر منافع طبقاتی، باتوافق سرمایه در سطح ملی و بین المللی که خود را از سرکوب جنبش طبقه کارگر و اقشار تحت ستم عاجز می دید، بر امواج قیام مردمی که با شعارهای پوپولیستی پیش میرفت، سوار شده و حاکمیت دیکتاتوری لجام گسیخته خویش را تا امروز بر پا و تداوم بخشیده است.

ولی جامعه علاوه بر دیکتاتوری مضاعف، سیر مصائب و رویدادهای فاجعه باری را پی در پی پشت سر نهاد؛ کشتار مردم ترکمن صحرا و تهاجم خونبار به کردستان، بستن خشونت بار دانشگاهها در رابطه با انقلاب فرهنگی - اسلامی، دستگیری، زندان، شکنجه، اعدام و تیربارانهای دستجمعی سالهای ۶۰ بویژه قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷، هشت سال جنگ ضد انسانی و ارتجاعی ایران و عراق، محرومیت از ابتدائی ترین آزادیهای مدنی و اجتماعی، گوشه هائی از کارنامه سیاهی است که بر چهره ننگین رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی نقش بسته است. از طرف دیگر رژیم جمهوری اسلامی در بستر نیازهای سرمایه داری جهانی غنوده و در تلاش به منظور پاسخگویی به نیازهای سیستم فوق بوده است. جمعیت شهری نسبت به رژیم دیکتاتوری پادشاهی افزوده میشود و نیز کل جمعیت از ۳۰ میلیون به ۷۰ میلیون میرسد و انباشت سرمایه بمراتب در اقصاء نقاط جامعه صورت پذیرفته و سودهای کلانی را بخصوص بعد از پایان جنگ ایران و عراق نصیب سرمایه داران جدید اسلامی نموده است.

نتیجه آنکه امروزه اکثریت جمعیت ایران را کارگران تشکیل میدهند و در تضاد طبقاتی با حاکمیت سرمایه داری جمهوری اسلامی قرار دارند و مطالبات خود را بویژه از آغاز دهه هشتادبمراتب عمیق تر و شفافتر از پیش عنوان می نمایند. از همین سالها بموازات طرح مطالبات طبقه کارگر، جنبش هائی چون جنبش زنان، دانشجویان و غیره دست به اعتراضات سیاسی میزنند و در برابر رژیم منفور حاکم ایستاده گی و مبارزه می کنند. نباید از اعتراضات و مطالبات بحق جنبش سراسری معلمان و پرستاران غافل ماند که اقشار فکری و خدماتی طبقه کارگر را تشکیل میدهند. رژیم جمهوری اسلامی ناتوان و مستاصل از اعتراضات بالنده جنبش های اجتماعی چون همیشه به فشار، خشونت، توطئه، زندان و شکنجه روی می نماید و در تلاش است که بتواند سدی در مقابل مبارزاتشان ایجاد نماید. ولی برعکس پتانسیل پیکار طبقاتی سیر صعودی را طی می کند. آنها برای متشکل شدن هر چه بیشتر خویش و در راستای طرح مطالبات، خواهان تشکل مستقل و توده ای طبقاتی خویش میشوند. از دل چنین مبارزات در خشان با جانفشانیهای بیدریغ است که چند سندیکای کارگری سر برون میآورند که از مهمترینشان سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، کانون صنفی معلمان ایران، سندیکای نقاشان و غیره را میتوان نام برد.

این اوضاع ثابت میکند که بر عکس مبارزات پوپولیستی نیروهای سیاسی در زمان رژیم پادشاهی سابق، این بار کارگران و زحمتکشان با طرح مطالبات ودر چارچوب منافع طبقاتی خویش در برابر حاکمین سرمایه جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. از دل چنین مبارزه ای است که در ۱۱ اردیبهشت (اول ماه مه) ۱۳۸۸، ده نهاد کارگری و اجتماعی مشترکا قطعنامه ۱۵ ماده ای را با عنوان قطعنامه کارگران ایران برای اولین بار در طول تاریخ عمر جمهوری اسلامی سرمایه به تصویب رساندند که حاوی مطالبات سیاسی - اقتصادی در مرحله ی کنونی جامعه است.

رژیم هراسان از خیزش فزاینده اعتراضی و نیز تشکلات مستقل کارگری و دیگر نهادهائی که در چارچوب منافع کارگران اندیشه اجتماعی خود را پیش میرانند با تهاجم وحشیانه در پارک لاله تهران و سایر نقاط، تجمع و تظاهرات آنان را با ضرب و شتم و خشونت پاسخ داده و بیش از صد و پنجاه تن از آنان را به زندان و شکنجه رهسپار کردند. این مسئله در زمانی صورت میگیرد که انتخابات کذایی ریاست جمهوری در راه است. سندیکاها و نهادهای کارگری و مترقی کشور همانند کارگران نیشکر هفت تپه و اتوبوسرانی شرکت واحد تهران و حومه و.... انتخابات را تحریم کردند. نتیجه آنکه مضحکه ی انتخابات مطابق با سنوات گذشته و در راستای سنت ریاکارانه جمهوری اسلامی با تقلب صورت میپذیرد و موجب اعتراضات وسیع توده ای میگردد.

"قربانیان" این تقلب که خود بخشی از حاکمیت جمهوری اسلامی اند و در تمام روند سیاست های ۳۰ ساله اخیر و بویژه قتل عامهای دهه شصت مستقیما شرکت داشتند، جنبش عظیم اعتراضی مردم را همچون پناهگاهی می بینند که برای حفظ خود و خانواده، می خواهند بر آن سوار شده تا نه تنها خویشان را از زندان و بسا حذف فیزیکی محفوظ دارند بلکه از رادیکال شدن جنبش جلوگیری نموده و آن را وجه المصالحه با بخش دیگر از حاکمیت قرار داده تا از این طریق راه رسیدن بقدرت شان بلکه هموار گردد. ولی بمراتب شعارها تعویض و رادیکال میشوند و اهداف باند موسوی - کروی در حال نقش بر آب شدن است. نیروهای مکار و مرتجعی چون توده ای - اکثریتی و شرکا، سلطنت طلبان و جمهوریخواهان رنگ و رنگ چون همیشه مداحان جنایتکاران بوده و در صفوف اصلاح طلبان حکومتی جای گرفتند.

ولی جنبش طبقه کارگر ایران و نهادهای پیشرو آن به اینگونه ترفندها گرفتار نشده و به زیر اهداف واپسگرانه جنبش سبز نمی روند. برعکس، رفرمیست ها و سوسیال دموکراتها که قصد دارند خود را در صفوف رزمنده طبقه کارگر مخفی سازند، با پشتیبانی از بخش دیگر جمهوری اسلامی، درصددند که دستان پرتوان طبقه کارگر را از آستین بورژوازی عبور دهند که تا کنون با شکست روبرو گشته اند. بورژوازی و بطریق اولی حاکمیت جمهوری اسلامی از طرح مطالبات و منافع طبقاتی کارگران در هراس است و از هر وسیله ای جهت عدم سازماندهی و تشکلات مستقل کارگری و نیز سرکوب مستقیم آنان بهره میجوید. بیهوده نیست که سندیکای نیشکر هفت تپه را برسمیت نمیشناسد و رئیس و نائب رئیس و نیز اعضای هیئت مدیره سندیکای مذکور (علی نجاتی، فریدون نیکوفر، جلیل احمدی، قربان علیپور و محمد حیدری مهر)، نه فقط به زندان محکوم میشوند، بلکه آنان را از کارخانه نیز اخراج میکنند.

ما نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران در خارج از کشور، از اهداف طبقاتی کارگران بطور کلی و در این شرایط بویژه کارگران مبارز و حق طلب هفت تپه دفاع مینمائیم و بدور از ترفندهای حاکمین در قدرت و فرصت طلبانی که آمال و آرزویشان در بستر سوسیال دموکراسی

است، به دفاع از منافع کارگران و اهداف قید شده در قطعنامه ۱۵ ماده ای نهادهای کارگری برخاسته تا بدین ترتیب جنبش اجتماعی جاری با مطالبات و سیاست های انقلابی طبقه کارگر عجین گردد و علیه بورژوازی سازماندهی شود. نباید فراموش نمائیم که اعتراضات ناشی از باصطلاح انتخابات زمینه واقعی دیگری داشت و آنهم خواست ها ، آرزوها و آمال سی ساله و سرکوب شده توده رنج کشیده و زحمتکش زن و مرد و جوانان و بویژه مبارزات کارگران و زحمتکشان با نهادهای متفاوت خویش در اقصا نقاط جامعه بود که بمراتب تضاد و تناقضات را در حاکمیت افزایش دادند .

جنبش اجتماعی کنونی اگر بخواهد در راستای اهداف مترقیانه و آزادیخواهانه گام بردارد راهی بجز پیوستگی با منافع کارگران ندارد زیرا فقط طبقه کارگر با تشکلهای سیاسی توده ای اش قادر است که خواستههای لاینحل اجتماعی را جهت کسب آزادی و علیه دیکتاتوری سرمایه و برقراری عدالت اجتماعی مبتنی بر سوسیالیسم را برقرار کند و در یک کلام اهداف جنبش کنونی اجتماعی را متحقق سازد. ما از همه نهادها و عناصر سوسیالیست و انقلابی در خارج از کشور میخواهیم که با همبستگی خویش با دفاع از مبارزات کارگری در تقویت ایجاد تشکلهای صنفی سیاسی کارگری در ایران بر آمده و برای آزادی بدون قید و شرط فعالین کارگری و جنبش های دیگر و بویژه مسئولین سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و نیز منصور اسالو و ابراهیم مددی رئیس و نائب رئیس سندکای واحد و کارگران دستگیر شده در اول ماه مه ۸۸ در پارک لاله و محکومیت رژیم ضد کارگر جمهوری اسلامی سرمایه مبارزه خویش را همه جانبه تر به پیش ببریم.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج از کشور

نوامبر ۲۰۰۹

- کمیته همبستگی با کارگران ایران - استرالیا unionnn1@gmail.com
- کمیته همبستگی با جنبش کارگری ایران- استرالیا proletarianunite@gmail.com
- کمیته دفاع از کارگران ایران - نروژ cdkargari@gmail.com
- همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه sstiran@yahoo.fr
- کانون همبستگی با کارگران ایران - فرانکفورت و حومه kanoonhf_2007@yahoo.de
- کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران - هانوفر kanon.hannover@yahoo.de
- کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند isask@comhem.se
- کانون همبستگی با کارگران ایران - گوتنبرگ kanounhambastegi@gmail.com
- انجمن کارگری جمال چراغ ویسی ankjch@yahoo.co.uk
- شبکه همبستگی کارگری iranwsn@fastmail.fm
- اتحاد چپ ایرانیان واشنگتن leftalliance@yahoo.com
- کمیته حمایت از کارگران ایران تورنتو کانادا toronto_committee@yahoo.ca